



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۷/۲۶



دوکتور م، عثمان تره کی

تلاش های دیپلماتیک آلمان برای بدست گرفتن ابتکار صلح در افغانستان



مناسبات افغانستان با آلمان قریب است به مرز یک قرن برسد. طی این مدت رابطه دو کشور را باور و احساس دوستی متقابل جهت داده است.

تجاوز اتحاد شوروی به افغانستان و حمایت کشورهای غربی به شمول آلمان در میدان جنگ و عرصه دیپلماسی از مقاومت افغان ها، فصل نوی را در مناسبات افغانستان و آلمان کشود. جنگ با شوروی با سقوط امپراتوری کمونیست پایان یافت. در میان ممالک غربی آلمان با تأمین وحدت خود، بزرگترین منفعت را بدست آورد.

عوامل مختلف داخلی و خارجی دست اندر کار پاشانیدن بساط کمونیزم از جهان بود. اما این مقاومت و جهاد مردم افغانستان بود که کلیه عوامل را از قوه به فعل درآورد و آن را به مقصد واحدی کانالیزه کرد.

مطبوعات و سیاستمداران غرب در تجلیل از سالگرد شکست کمونیزم و فرو ریختن دیوار برلین از قربانی های مردم افغانستان یاد نمی کنند. این حادثه قرن را مظهر هوشیاری زمامداران وقت ممالک غربی می دانند که چگونه با استفاده افزاری از مردم گوسفندی افغانستان بدون درگیری مستقیم نظامی با شوروی، حریف را از پا درآوردند.

با اینهمه در تحت شعور رهبران غرب، بخصوص آلمان احساس حق شناسی نسبت به قربانی های مردم افغانستان زنده است. مظاهر این سپاسگذاری و شکران را میتوان در همکاری ها و کمک های آلمان به افغانستان در دهه های اخیر و اشتیاق آنکشور برای تأمین صلح مشاهده کرد.

آلمان بعد از امریکا و انگلستان بزرگترین کمک کننده به افغانستان است. با این تفاوت که آلمان در میان ممالک عضو ائتلاف نظامی بین المللی بیشترین توجه را به کمک به بازسازی بخصوص در شمال افغانستان معطوف ساخته تا عملیات جنگی.

اگر از همکاری اشغال افغانستان توسط امریکا که تحت الزامات انفجار نیویارک صورت گرفت، بگذریم فقط یک خاطره ناگوار از مأموریت نظامی آلمان به یاد داریم :

بمباردمان دو لاری نفتکش (۴ سپتامبر ۲۰۰۹) که در جریان آن ۱۴۲ ملکی شامل اطفال کشته شدند. حکومت آلمان به قضیه آن طوری که لازم بود رسیدگی نکرد. این قضیه در آرشیف جنایات جنگی قوای ائتلاف ثبت است که امید است روزی توان رسیدگی به آن را دریافت کنیم.

از آغاز حمله ائتلاف نظامی خارجی به افغانستان، آلمان بیشتر از سائر مؤتلفین به پروسه صلح علاقه گرفته است. آلمان در تأسیس دفتر طالبان در دوحه (۲۰۱۱) نقش محوری داشته است. بدنبال یک تفاهم دیپلماتیک آلمان با امریکا به استقامت صلح، طیب آغا در رأس دفتر قرار گرفت.

« مارکوس پوتسل » سفیر سیار صلح آلمان برای افغانستان و پاکستان تلاش قابل توجه را برای اینکه به کشورش نقش مرکزی در پیشبرد پروسه صلح اعطا کند، رویدست گرفته است. این در حالی که قبلاً مقاومت مسلح با اشتراک در کانفرانس های صلح در فرانسه، جاپان و روسیه و هفت دور مذاکره با امریکا، به شکل « دوفکتو » به مثابه طرف معامله در جنگ و صلح شناخته شده است.

آلمان سابقه نه چندان خوبی در رابطه به صلح در افغانستان از مجرای تدویر کانفرانس بن دارد. کانفرانس بن فصل نوی را در مصیبت مردم افغانستان کشود. اما با گذشت بیست سال و تحول رادیکال در اوضاع افغانستان، منطقه و جهان دیپلماتی آلمان مطمئناً با اراده رفع اشتباهات گذشته وارد معرکه خواهد شد. اهم این اشتباهات در کانفرانس بن چنین بود، که امید است در کانفرانس آینده رفع شود :

- اعطای تشخیص سیاسی به گروه های جنگی
- طرد طالبان از پروسه صلح
- به حاشیه کشیدن قشر تعلیم یافته
- اعطای اختیار ترکیب کانفرانس و تعیین رهبری آینده افغانستان به امریکا که از انفجار نیویارک عقده مند بود و کمر جنگ تجاوز کارانه طویل المدت را بسته بود.

از قرائن بر می آید که آلمان با ذهنیت نو رفع غلطی گذشته وارد عرصه دیپلماتیک شده است: در کانفرانس بین الافغانی صلح که به اشتراک دو کشور آلمان و قطر در دوحه در ۷ و ۸ جولای ۲۰۱۹ دائر شد، رهبران کلاسیک جنگی سهم نداشتند. این را میتوان قدم مثبت به سوی اعطای چانس بیشتر به صلح و جامعه مدنی قیاس کرد.

میزبانی از صلح، اعطای امتیاز سیاسی و دیپلماتیک بکشور میزبان است. این امتیاز نباید به شکل انحصاری در اختیار یک کشور قرار بگیرد. چه افغانستان از کانال پروسه صلح به زمینه سازی مناسبات آینده دوستانه با همه ضرورت دارد.

قطر از هفت دور مذاکرات با تشریفات خوب میزبانی کرده است. اما ممکن کشور مناسب برای تدویر دور های آخرین کانفرانس صلح نباشد. زیرا قطر در صنفبندی های خلیج عرب در جبهه ایران قرار دارد و به خاطر موضعگیری های خود در رابطه به شرق میانه عربی، بار ها معروض به خشم و غضب عربستان سعودی و امارات متحد عربی شده است. درگیری عربستان سعودی با قطر، بر مناسبات طالبان با سعودی و امارات تأثیر منفی گذاشته است. به حدی که طی سالیان اخیر در حلقات سیاسی سعودی و امارات، چندین بار موضوع انتقال دفتر سیاسی طالبان

از قطر به یکی دیگر از کشورهای عربی مطرح شد. بناءً قطر کشور بیطرف نیست و در بستر مطلوب دیپلماتیک برای میزبانی دائمی از مذاکرات صلح قرار ندارد.

انتقال میزبانی از کانفرانس صلح از شرق میانه عربی به اروپا و بخصوص آلمان این امتیاز را با خود دارد که پروسه صلح از تأثیر منازعات ذات البینی دنیای عرب بیرون میشود.

ازین گذشته آلمان مانند امریکا یک طرف جنگ افغانستان است. به همین دلیل در موضع بهتری نسبت به یک کشور ثالث برای پایان دادن به جنگ قرار دارد.

آلمان پوتنسیل واره دار برای کمک به رفع ویرانی های جنگ افغانستان دارد. از پرستیژ خاص در اتحادیه اروپا و سازمان ناتو بهره مند است. با ستیزه جویی امریکا در افغانستان میان خوش ندارد.

به هر پیمانه ایکه مداخله آلمان در پروسه صلح افغانستان گسترده باشد، امکان دسترسی به پایان جنگ بیشتر میشود.

البته نقش مثبت آلمان در پروسه صلح وقتی مفید و سازنده است که اشتباهات کانفرانس قبلی بن تکرار نشود.

« پایان »

*** **

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!